

## پیش‌خوان

## یادواره حکیمی که از دوردست‌های خاطره آمده بود

## بوستانی از معرفت و آگاهی

■ **محمد رضا کائینی**



اوصاف آن دانشی‌مرد را از زبان برخی شاگردان و مصاحبانش روایت کرده است. «یادنگار استاد حکیم»، از سوی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه خراسان رضوی (ع) منتشر شده است. دیباچه این اثر، اشاراتی به شرح ذیل آمده دار:

«چه خوش اقبال بود سرزمین مصادری ما که هم مهد حکیمانی بود ریشه دوانده در این خاک و هم میزبان حکیمانی مهاجر که با این‌س خاک میثاقتی ماندگار بستند. ۴۰ سال تمام، آبی آسمان این دیار، مهمان پذیر حکیم و فقهی‌ی بود که از دوردست‌های خاطره آمده بود، از قله‌های بلند حکمت و فلسفه، به خطه خورشید و نور تا در پهن دشت استعداد و شعور این دیار، بنذر خرد و اندیشه بیفشانند. او تنها بود، اما به تنهایی بوستانی از معرفت و آگاهی برای ما به همراه آورد که شمیم آن تا قرون و هزاره‌های بسیار تنفس خواهد شد. او اگرچه امروز در میانمان نیست، اما شمار بی‌پایانی از حکمت‌ها و خاطر‌اتش، ما را با او پیوند می‌زند. در حیانتش به ما گفته‌ها آموخت و امروز که خاموش است، ناگفته‌های وجودش، آنچه در عمل و سلوگ از او دیدیم و تجربه کردیم، ما را در تاریکی‌های راه‌های نرفته و جهان‌های معنوی ناگشوده، راهنما و داللت است. اکنون ۴۰ طلوع آفتاب، از غروب وجودش می‌گذرد و در این مدت، هزاران بامداد از اندیشه‌هایش در گشت این و آن برآمده است. این اندیشه‌ها و گفته‌ها را، که لحظه‌ای کوتاه از حیات پر فروغ و از روایات است، به پیشگاه صاحبان حکمتی و اندیشه تقدیم می‌داریم تا ترنمی



زنده‌یاد آیت‌الله العظمی سیدمحمد عزالدین حسینی‌زنجانی

دوباره باشد از زمزمه‌های جاودانه خرد و تذکاری باشد بر این نکته که حکیمان دِسر می‌یابند و دیر می‌میرند، اما درخت سنبلر حکمت که حاصل وجود آنان است، همیشه سبز و تر خواهد بود. گفتنی است در آن‌سبت، چهلمین روز از تحال آن استاد فقید و مرجع عالی مقام، گروهی از شاگردان ایشان واصحاب اندیشه گرد هم آمدند تا خاطرات علمی و معنوی خود را از معظم‌له با تأکید بر جنبه‌های حکمی، فلسفی و عرفانی ایشان به رشته تحریر درآورند. مجموعه حاضر حاصل تلاش این عزیزان است. بر خود فرض می‌دانیم تا از تمامی آنان که به انجای مختلف، در انجام این وظیفه مهمی ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی داشته باشیم. همینطور از تمامی نهادها و مجموعه‌هایی که با مشارکت و همراهی خوش، به پاسداشت و بزرگداشت میراث ماندگار علمی و فرهنگی این سرزمین ادای دین نمودند، به‌ویژه: استانداری خراسان رضوی، دانشگاه فردوسی مشهد، مجمع عالی حکمت اسلامی، صداوسیما جمهوری اسلامی مرکز خراسان رضوی، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی، مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام و شهرداری مشهد. شایان ذکر است، گروهی از دوستان و همکاران دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی (ع)، در تمهید و تهیه این اثر نقش مضاعفی ایفا نموده‌اند. سزوار است از این عزیزان، تقدیر و سپاس ویژه داشته باشیم. آقایان موسی عمرانی، محمد روزبهمن و حمید محدث. از جناب آقای دکتر سیدعباس صالحی عضو محترم هیئت امنای دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، همین‌طور ریاست محترم دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی (ع) جناب حجت‌الاسلام محمد مهدی مسعودی و نیز معاونین محترم آموزش و پژوهش و به‌ویژه معاون فرهنگ‌ی جناب حجت‌الاسلام عیسی‌نژاد نیز نهایت تشکر و سپاسگزاری را داریم، زیرا بدون حمایت، همراهی و پشت‌گرمی آنان این یادنامه به فرجام شایسته خود نمی‌رسید.»

## بهدار تکاپوی زنده‌یاد آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی در راستای تقرب مذاهب اسلامی



## ابعاد تکاپوی زنده‌یاد آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی در راستای تقرب مذاهب اسلامی

## آمیزه‌ای از سعه صدر

## گفت‌وگوگرایی و تفرقه‌پرهیزی

### ■ احمد رضا صدری

روزهایی که پسر ما می‌گذرد، تداعی‌گر سالروز رحلت زنده‌یاد آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی، دبیر کل فقید مجمع جهانی تقربیب مذاهب اسلامی است. هم از این روی و در نکوداشت دهها سال تکاپوی آن بزرگ در راستای تحقیق آرمان وحدت اسلامی، شمه‌ای از دیدگاه‌های مفکران و همکاران وی را مسود جهان‌شنسی تحلیلی قرار داده‌ایم. امید آنکه علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **حضور در مدرسه آیت‌الله بروجردی به او روحیه تقریبی بخشیده بود**

منشأ اندیشه‌های وحدت‌گرا و تقرب محور زنده‌یاد آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی، از مدخل‌های مهم به کارنامه اوست. به نظر بسا اندیشایان با حیات علمی و عملی آن بزرگ، وی سررشته این رویکرد را از استادش زنده‌یاد آیت‌الله العظمی بروجردی سستانده بود. آیت‌الله محسن اراکی دبیر کل پیشین مجمع تقرب مذاهب اسلامی در این باره معتقد است:

«کسی که در جایگاه دبیر کلی مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی قرار می‌گیرد، علاوه بر مقام علمی، باید با افکار مذاهب مختلف اسلامی آشنا باشد. یکی از برجستگی‌های علمی آیت‌الله واعظ‌زاده خراسانی، اطلاعات کافی و گسترده از دیدگاه‌های مذاهب مختلف بود. گاهی کسی اطلاعات علمی خوبی هم دارد، اما روحیه‌اش روحیه تقریبی نیست. ایشان همواره برای گفت‌وگو با اندیشمندان مذاهب مختلف اسلامی آماده داشت. از سعه صدر عجیبی برخوردار بود و هدف‌جی همگرایی مذاهب مختلف نداشت. حضور در مدرسه

آیت‌الله بروجردی، این روحیه را در ایشان تقویت کرده بود و لذا همواره در پی انسجام گفت‌وگو همزیستی با دیگران بود. تجربه‌ها و سوابق ایشان از دوران آیت‌الله بروجردی و ارتباطاتی که از همان زمان با دارالتقرب مصر داشت و قدرت علمی، از ایشان شخصیتی ساخته بود که رهبری امرز متصاب ایشان برای انجام این کار بزرگ متأثیر گذار بود. مجمع تقرب‌به عنوان یک نهاد منسجم و تأثیر گذار در حوزه خویش، مشغول فعالیت است، به همین دلیل شاید برخی متوجه نباشند که این دستاورد عظیم، با چه تلاش‌ها و زحمات طاق‌تفرسا و چه خون‌دل خوردن‌هایی بنا شده است و کسانی که به‌ویژه در آغاز راه، مسئولیت این نهاد را به عهده داشتند، چه مصائبی را متحمل شدند تا این کشتی به ساحل امن امروز رسیده است. مرحوم آیت‌الله واعظ‌زاده انصافا در تأسیس و استحکام‌بخشی

## مولوی اسحاق مدنی: «هر حوم واعظ‌زاده

با بستر سازی مناسب در فضای دانشگاه تقرب مذاهب اسلامی، شرایطی را فراهم آورد تا دانشجویان در فضایی سالم و آرام، آرا و عقاید یکدیگر را بشنوند، درباره آنها بررسی کنند و به استناد قرآن و احادیث، با هم گفت‌وگو کنند. وجود این محیط مناسب و امکان تبادل اندیشه‌ها در بستر ای امن، سبب می‌گردد که مذاهب کمتر یکدیگر را متهم کنند و در نتیجه، امکان نزدیکی افکار فراهم شود…»

## عاریخ

تاریخ ۸۸۴۹۸۴۲۷



زنده‌یاد آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی

زنده‌یاد آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی

**حجت‌الاسلام عبدالکریم بی‌آزار شیرازی: «آیت‌الله واعظ‌زاده عمیقاً بر این باور بودند که تقرب، از توصیه‌های اسلام و مکتب اهل‌بیت(ع) است و استدلال‌های مفصلی از سیره ائمه اطهار(ع) می‌آوردند که آنها، تقریبی‌های درجه یک بودند و هدف اصلی‌شان وحدت امت اسلامی بود. لذا معتقد بودند که هر مسئله‌ای که مخالف این هدف بزرگ باشد، باید کنار گذاشته شود. ایشان در این زمینه، قلمفرسایی‌های فراوان کردند و در هر فرصت مناسبی با سخنرانی‌های تأثیر گذارشان سعی کردند تفکر تقرب را جا بیندازند.»**

«حدود ۸۰ درصد از روایت‌های شیعه و اهل سنت، مشترکند. در گذشته از کتاب‌های حدیث اهل سنت، برای نقل روایت‌های اهل‌بیت(ع) استفاده زیادی می‌شد. آیت‌الله واعظ‌زاده در کتاب‌ها و مقاله‌های خود، از احادیث مشترک زیاد استفاده می‌کردند و برای گردآوری آنها، زحمت زیادی کشیدند. یکی از کارهای مهم ایشان، تأسیس مؤسسه پژوهش‌های تقریبی در قم است که در آنجا، روایت‌های مشترک گردآوری و منتشر می‌شوند. رشته تخصصی مرحوم واعظ‌زاده، قسرآن و حدیث بود و ایشان پیش‌تر، از استادان برجسته قرآن و حدیث در دانشگاه فردوسی مشهد بودند و کارهای زیادی هم در این زمینه انجام دادند، از جمله گردآوری معجم الفبایی بزرگی برای کلمات قرآن. از دیدگاه مفسران شیعه و سنی که کاری بسیار ابتکاری و ارزنده است و در بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی وزیر نظر ایشان، انجام شد. این کتاب برای کسانی که علوم قرآنی و تفسیر تدریس می‌کنند، بسیار مفید است. آیت‌الله واعظ‌زاده در دانشگاه مذاهب اسلامی هم در زمینه آیات قرآن تدریس داشتند و از کتاب کنز العرفان درس‌هایی می‌دادند. یکی از الزامات تفسیر دقیق قرآن، آگاهی به علم حدیث است و ایشان با توجه به تسلطی که بر حدیث و علم رجال داشتند، در تفسیر قرآن از آنها استفاده می‌کردند و همین کار‌شان را برپایه کرده بود. ایشان در تمام مجامع و گردهمایی‌ها، روی حدیث نقلین تأکید زیادی داشتند. یک بار در سمیناری در ترکیه – که در مورد امام صادق(ع) برگزار شده بود – با تسلط زیادی در علم حدیث داشتند، در پاسخ به این مطلب که در حدیث نقلین کتاب الله و سنتی آمده، اثبات کردند که در اکثر روایات، کتاب الله و عترتی آمده است. قدرت استدلال ایشان به قدری قوی بود که علمای بزرگ‌تر کیه آن را پذیرفتند! آیت‌الله بروجردی معتقد بودند که اختلافات ناشی از تعصب، باعث شده که جهان اسلام از علوم و معارف ارزشمند اهل‌بیت(ع) محروم بماند. ایشان به آیت‌الله وشنوهای قعی دستور دادند که تمام احادیث مربوط به کتاب الله و عترتی و کتاب الله و سنتی را از کتب حدیث اهل سنت استخراج کنند و مشخص شد که کتاب الله و عترتی، بسیار بیشتر و مستندتر است. نتیجه این پژوهش، به دارالتقریب مصر ارسال شد و شیخ ابوزهره از علمای برجسته‌الازهر اعلام کرد این روایت، بهترین دلیل بر حجیت اقوال اهل‌بیت(ع) است و ما باید از روایت‌های ایشان بیشتر استفاده کنیم. از این رو تصمیم گرفته شد که روایت‌های مشترک شیعه و سنی گردآوری شود. مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی در مجموعه‌ای ایشان با وجود کمپولت سن، تا آخر وقت کار می‌کردند و تحقیقات علمی عظیمی را در زمینه تفسیر انجام دادند که از میراث‌های ماندگار ایشان است. به نظر من هر کسی که از این سه ویژگی همت، اخلاص و تواضع برخوردار باشد، در کارهایش موفق می‌شود و انسان تأثیر گذاری است و ایشان، جامع این سه ویژگی بودند.»

■ **برداشت تقریبی از میراث روایی**

یک مصلح تقریبی در وهله نخست، از متون بالادستی دینی، برداشتی متناسب با این هدف کلان دارد. آیت‌الله واعظ‌زاده خراسانی نیز وحدت‌گرایی را با استناد به کتاب و سنت اثبات می‌کرد و در این زمینه، آثاری گران‌ب‌جای نگذاذ. او بر این باور بود که مشترکات مذاهب اسلامی، بدان سلسن فراوان است که جایی برای قدی‌شدن به اختلافات باقی نمی‌نهد. حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، در این فقره می‌گوید:



دهه ۷۰ زنده‌یاد آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی، در کنار شانروان دکتر سعید شهیدی، در حاشیه یکی از کنفرانس‌های وحدت اسلامی

## روزنامه جوان | شماره ۶۳۸۲ | ۹ جوان

مناسب در فضای دانشگاه تقرب مذاهب اسلامی، شرایطی را فراهم آورد تا دانشجویان در فضایی سالم و آرام، آرا و عقاید یکدیگر را بشنوند، درباره آنها بررسی کنند و به استناد قرآن و احادیث با هم گفت‌وگو کنند. این محیط مناسب و امکان تبادل آرا در فضایی آرام سبب می‌گردد که مذاهب کمتر یکدیگر را متهم کنند و در نتیجه، امکان نزدیکی افکار فراهم شود. ایشان وحدت را به معنای واقعی کلمه و به صورت حقیقی قبول داشت. وحدت از نظر ایشان، به این معنا نبود که همه مذاهب باید از بین بروند و فقط یک مذهب باقی بماند! بلکه نه ایشان، نه دیگر علمای اسلام و نه رهبر معظم انقلاب اسلامی، درباره وحدت چنین نگاهی نداشتند. از نظر ایشان، وحدت به معنی تحمل عقاید دیگران و تلاش برای درک باورهای آنان بود. ایشان عمیقاً به این موضوع باور داشت. در عین حال به‌شدت هم به مذهب خود پایبند بود و به آن اعتقاد راسخ داشت، اما آرزوی قلبی‌اش این بود که مسلمان‌ها، از هر مذهب و قوم و نژادی، در صلح و صفا در کنار هم زندگی کنند و هرگز به یکدیگر تهمت نزنند و هتاک‌ی نکنند! مرحوم آیت‌الله واعظ‌زاده، اطلاعات جامعی از جهان اسلام داشت و از اوضاع جهان بی‌خبر نبود. وی به‌اکثر کشورهای اسلامی سفر و با علمای آنها صحبت کرده بود. بیشن سیاسی عمیقی هم داشت، اما وارد عرصه سیاست نمی‌شد و وقت خود را بیشتر صرف کشف مسائل علمی و تحقیقاتی می‌کرد. سهم خاصی را به سیاست اختصاص نمی‌داد و به عنوان استاد دانشگاهی و مؤلف مقالات و کتب مختلف در زمینه وحدت و تقرب اسلامی، تلاشی مستمر و همیشگی داشت. طبعاً این تلاش‌ها، به التزام نتایج سیاسی متناسب با خویش را نیز به همراه می‌آورد.»

■ **برای تقرب به اختلافات بیش از مشترکات بهانه‌ییم**

با تمام آنچه بدان اشارت رفت، جای یک پرسش همچنان باقیست و آن، راهکارهای عملی زنده‌یاد آیت‌الله واعظ‌زاده خراسانی، برای نیل به تقرب مذاهب اسلامی است. پیش‌تر اشارت رفت که از منظر آن دانشور فقید، تکیه بر مشترکات مذاهب، از کلان‌ترین راهکارها در این باره به شمار می‌رود. مولوی علی احمد سسلاهی از علمای اهل سنت و دوستان مرحوم واعظ‌زاده، در بسط این تلقی آورده است:

«ایشان از نظر به پردازان و علمای برجسته ایران بودند. اقداماتی که ایشان در زمینه تقرب مذاهب اسلامی انجام داده‌اند و مخصوصاً تأسیس دانشگاه مذاهب اسلامی بسیار ارزشمند هستند. همین‌طور سفرهایی که به کشورهای مختلف اسلامی می‌کردند و جلساتی که با علمای جهان اسلام داشتند و مذاکراتی که با مسئولان مراکز علمی جهان اسلام، درباره تقرب و اوضاع جوامع اسلامی می‌کردند، در مجموع ایشان اقداماتی را انجام می‌دادند، که از کمتر کسی برمی‌آمدا یکی از حسنات ایشان، این بود که می‌گفتند: اگر واقعا قصد داریم به وحدت برسیم، باید دست از بحث‌های اختلافی تاریخی برداریم یا ببینیم که امروز، چگونه می‌توانیم در برابر هموم بی‌وقف جهان کفر، همه مذاهب اسلامی را زیر یک پرچم جمع و مقاومت کرد. ایشان حقیقتاً در زمینه وحدت، جدی بودند و تا آخرین نفس، در این زمینه کوشیدند. تا جایی که توانستند در گردهمایی‌ها شرکت و سخنرانی کردند و سخنانشان، همیشه درباره وحدت و همدلی مسلمانان بود. در عمل و تفکر ایشان درباره وحدت، اخلاصی وجود داشت که در دیگران کمتر دیده‌می‌شدا همه علمای اهل سنت، موقعی که با ایشان صحبت می‌کردند، می‌گفتند: ایشان در زمینه وحدت، جدی‌تر از دیگران است! مبنای محرک تلاش ایشان، اخلاص بود. نه ایشان سیاسی. اعتقاد بنده هم این است که ایشان در امر وحدت مذاهب اسلامی، با تمام وجود فعالیت می‌کردند. ایشان همیشه دنبال موارد اشتراکی بودند و در صحبت‌هایشان، از ما هم می‌خواستند تا در این زمینه، کمکشان کنیم. و این‌گونه موارد را برجسته‌تر حذف کرد، ولی می‌شود کمرب‌نگ کرد! قطعاً این اختلافات وجود داشته‌اند. حذف آنها، نه‌شدنی است و نه منطقی. اما می‌شود تا در مقام ایجاد وحدت، به آنها چندان بها ندادا...! ایشان عمیقاً معتقد بودند که باید دست و بازوی همدیگر باشیم و موارد اختلافی را طوری مدیریت کنیم که به تفرقه ختم نشوند. ایشان نهایت سعی خود را می‌کردند که با تألیفات، مقالات، سخنرانی‌ها و صحبت با صاحب‌نظران مذاهب دیگر، این فرهنگ را ترویج کنند. اما متأسفانه دانشگاه‌ها، مراکز علمی و به‌خصوص رسانه‌ها، آن‌گونه که باید همراهی نکردند! به نظر من این کتنب، مقالات و سخنرانی‌ها، نه تنها در ایران که در سراسر کشورهای اسلامی، باید از طریق رسانه‌ها منعکس شوند، تا کم‌کم در دیدگاه جامعه نسبت به دیگر مذاهب اسلامی، آگاهی‌های مناسبی ایجاد شود. تنها با تکیه بر قرآن و آموزه‌های دینی است که می‌توانیم در برابر دشمنان اسلام، تاب بیآوریم و آنها با اندک بهانه‌ای، نتوانند در صف ما مسلمانان رخته کنند. از ایشان خاطره جالبی هم دارم. یک‌بار بعد از جلسه کنفرانس وحدت اسلامی، ایشان برنامه‌ای را ترتیب دادند که برای گردش، به لوسانات و چند جای دیگر برویم. در طول مسیر، بعضی از دوستان گلایه کردند، مابقی در جلسات کنفرانس وحدت شرکت می‌کنیم. بعضی از تندروها ما را به شیعه بودن متهم می‌کنند! ایشان لیخدی زنده و گفتند: زیاد ناراحت نباشید، خود من هم متهم به سنی بودن هستم! کسی که قصد ایراد و بهانه‌جویی داشته باشد، بالاخره بهانه‌اش را پیدا می‌کند. ما باید با نیت خالص، به راهی که خدا و پیامبر(ص) پیش راهمان گذاشته‌اند، برویم و از طعنه بدگویان، ترسی به دل راه ندهیم...! خدایش رحمت کند»